

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

شباهنگ راد

۱۰/۱۲/۰۶

شانزده آذر [قوس] و جنبش دانشجویی

شانزده آذر – روز دانشجو – است. این روز بر حسب سنت نماد و سمبل مخالفت و اعتراض هزاران دانشجو به مناسبات و روابط ظالمانانه حاکم بر جامعه مان می‌باشد. در شانزده آذر، دانشجویان آزادی‌خواه و مبارز روزی را گرامی می‌دارند که رژیم شاهنشاهی، جان سه تن از یاران‌شان – یعنی قندچی، بزرگنیا و شریعت رضوی – را گرفت. بی‌گمان از آن زمان تاکنون جنبش دانشجویی از فرازها و نشیب‌های گوناگونی عبور نموده و به‌موازات آن سرمایه همواره تلاشش بر آن بوده و است تا ارتباط دانشگاه‌ها و دانشجویان را با جامعه و اقشار انقلابی قطع نماید؛ تلاشش بر آن بوده و است تا با ارباب و تهدید بر فضای دانشگاه‌ها حاکم گردد و افکار دانشجویان را در جهت امیال سیاسی خود سمت و سو دهد. چرا که دانشگاه‌ها از دیرباز به‌عنوان مراکز نشر و آگاهی درون جامعه نقش فعال و بسزائی در توضیح ماهیت استثمارگران بر عهده داشته‌اند. به همین دلیل جانینان بشریت ترس و واهمه عجیبی از دانشگاه‌ها دارند و یکی از وظایف اساسی خود را در تخطئه و سرکوب اعتراضات مراکز آموزشی قرار داده‌اند. عناصر و نهادهای وابسته به خود را به درون دانشگاه‌ها فرستاده‌اند و به شناسائی و دستگیری کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان پرداخته‌اند تا مانع رادیکالیزه شدن اعتراضات آنان گردند. گله‌های ارادل و اوباش را به جان دانشجویان انداخته‌اند تا صدای دانشجوی مبارز و مخالف را در گلو خفه نمایند؛ اما دانشگاه‌ها علی‌رغم تمامی تدابیر سرکوب‌گرانه و محیلانه سرمایه‌داران وابسته، از حرکت باز نایستاد و حاکمان و مدافعان سرمایه را به نبرد فرا خواند.

مشاهده صد‌ها اعتراض دانشجویی در میدانی متفاوت آموزشی به نوبه خود گویای این واقعیت است که دانشگاه‌ها و دانشجویان مبارز و رادیکال در مقابل مظالم و سیاست‌های سخت‌گیرانه حاکمان، تن به سازش نداده و خواهان حق و حقوق پایه‌ئی خویش‌اند. سه دهه اعتراض به مناسبات حاکم در دانشگاه‌های متفاوت ایران، نمایان‌گر روحیه اعتراضی و مخالفت‌جویانه دانشجویان علیه بیدادگری‌های درون جامعه و میدانی آموزشی‌ست. در این‌مدت رژیم جمهوری اسلامی هم – پا به پای سرکوب‌گران شانزده آذر سال ۱۳۳۲ – نشان داده است که وظیفه‌ای جز تخطئه و سرکوب اعتراضات دانشجویی بر عهده ندارد. به همین دلیل هر زمان که با خواسته‌ها و مطالبات دانشجویان مواجه

می‌گردد به مقابلهٔ بیرحمانه با آنان برخاسته و دانشگاه‌ها را به خاک و خون می‌کشد. به زعم خود می‌خواهد با توسل به زور و کُشت و کُشتار دانشجویان مبارز و مخالف، سیاست‌های ارتجاعی‌اش را به دانشگاه‌ها تحمیل نماید و می‌خواهد با تصویب هزاران قانون دست و پاگیر آنانرا از طرح خواسته‌های به حق‌شان باز دارد.

مسلم است که دانشگاه‌ها تریبون خواسته‌ها و مطالبات میلیون‌ها انسان رنج‌دیده و زحمتکش جامعه می‌باشند. دانشگاه‌ها میادین کمونیست‌ها و مبارزان است. کمونیست‌ها و مبارزانی که رژیم‌های حاکم را به مصاف می‌طلند و خواهان تحقق منافع توده‌های محروم‌اند. دانشگاه‌ها، محل تجمع و مکان آموزشی فرزندان اقشار متفاوت و زحمتکش جامعه است و به همین اعتبار بازگو و منعکس‌کنندهٔ خواسته‌ها و حقوق کارگران و زحمتکشان در درون جامعه‌اند. به عبارتی دیگر باید گفت که دانشجویان - من حیث‌المجموع - از مشغلهٔ روزمرهٔ توده‌های محروم به دورند و بی‌تردید از وقت مکفی و لازم به منظور درک و شناخت واقعی جانیان بشریت و نمایندگان باطنی سرمایه‌برخوردار می‌باشند؛ سرمایه‌دارانی که به دروغ خود را به عنوان مدافعان دانشجویان و توده‌های محروم معرفی می‌نمایند و روشن است که در این میان هدفی جز، سوءاستفاده از انرژی بیکران آنان در تقابل با جناح‌های رقیب دولتی ندارند؛

اما امروزه و گذشت زمان تا حدودی ماهیت و ادعاهای منادیان سرمایه و رانده شدگان جناح‌های رقیب دولتی را آشکار نموده و روشن گردیده است که تا چه اندازه "اصلاح‌طلبان" حکومتی و "رهبران سبز" - و آن‌هم در دوره‌های متفاوت -، نقش بسزائی در سرکوب جنبش‌های اعتراضی - دانشجویی داشتند و چگونه هزاران تن از توده‌های محروم و دانشجویان کمونیست، مبارز و مخالف را به مسلخ مرگ کشانند. تا حدودی روشن گردیده است که وابستگان به نظام جمهوری اسلامی تمامی هم و غم‌شان، حفظ و پایداری نظام استثمار و سرکوب توده‌هاست. با این اوصاف و در بستر چنین واقعیاتی، فاصله‌گیری از جناح‌های مغلوب دولتی، ختنی و پس‌زدن تحریکات ضد انقلابی نهادها و ارگان‌های وابسته به نظام در درون دانشگاه‌ها و همچنین حمایت و پشتیبانی از خواسته‌های میلیون‌ها انسان محروم را باید در سر تینترهای فعالیتی مدافعان شانزده آذر قرار داد. بی‌تردید دقت و توجه لازم به این امر از یکسو بر پتانسیل مبارزاتی دانشجویان خواهد افزود و از سوی دیگر دستان کثیف حامیان سرمایه را از میادین آموزشی کوتاه خواهد نمود. دهه‌هاست که دشمنان دیرینهٔ کارگران و زحمتکشان - و آن‌هم با برخورداری از تمامی امکانات دولتی - به درون دانشگاه‌ها رسوخ نموده‌اند و وظیفهٔ شان کشف، شناسایی و سرکوب دانشجویان و به کجراه بردن اعتراضات آنان می‌باشد. مشاهده شده است که دشمن هر روزه خود را سازمان می‌دهد و از سیاست‌ها و روش‌های تازه‌تر سود می‌جوید و بی‌تردید دانشجو هم نیازمند اتخاذ سیاست‌های تازه‌تر، روش‌های کم‌هزینه‌تر و تعرضی‌تر و هوشیاری فزون‌تر است.

به بیانی دیگر جنبش دانشجویی، جنبشی دمکراتیک است و باید دانست که جنبش‌های دمکراتیک و از جمله جنبش دانشجویی در بستر کدامین روش‌های مبارزاتی کارگران و زحمتکشان و مهمتر از همهٔ این‌ها با اتحاد و همپاری با کدامین اقشار انقلابی‌ست که می‌تواند به خواسته‌ها و مطالبات پایه‌ی خود دست یابد؟ لازم است تا به این جمع‌بندی روشن و قاطع دست یابد که با تُوَر زدن قوانین حاکم بر جامعهٔ مان و با نگاه به جناح‌های مغلوب دولتی نمی‌توان از شر مظالم امپریالیستی در درون دانشگاه‌ها و جامعه خلاصی یافت؟

تجربهٔ تُوَر جدید اعتراضات مردمی - بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ - بر این حقیقت صحه می‌گذارد که آویزان شدن بر گُردهٔ جناح‌های رنگارنگ حکومتی - دولتی نه تنها بر رادیکالیزم جنبش‌های اعتراضی - دانشجویی نمی‌افزاید بلکه مبارزات آنانرا به عقب خواهد راند. به این دلیل روشن که جامعهٔ انسانی و دانشگاه‌ها، پرچم و رنگ

مشخص و معین خود را دارند که با رنگ و پرچم سرمایه هیچ‌گونه قرابتی ندارد. چرا که رسالت دانشگاه‌ها و دانشجویان کمونیست و مبارز، در خلاف رسالت جانیانی همچون موسوی و کروبی، حافظان نظام است. در حقیقت تعبیر و تفسیر دانشگاه‌ها و دانشجویان کمونیست و مبارز از مناسبات حاکم بر جامعه مان خلاف تعبیر و تفسیر نمایان سرمایه است. وظیفه دانشگاه‌ها شورش علیه نظم موجود و بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه مان می‌باشد و در تقابل وظیفه جانیانی همچون موسوی و کروبی در حفظ و پایداری آن می‌باشد.

سنگر دانشگاه، سنگر حفاظت از منافع ملیون‌ها انسان محروم درون جامعه است. سنگریست که از درون آن انسان‌های کمونیست و مبارز برخاسته و سینه سرکوب‌گران و همه نمایان سرمایه را نشانه می‌گیرند. دیده‌ایم که رژیم جمهوری اسلامی تاکنون هزینه بس کلانی از دانشگاه‌ها گرفته است و هیچ دانشگاهی را نمی‌توان سراغ داشت که از تعرض نهادها و ارگان‌های سرکوبگر نظام در امان بوده باشد؛ دیده‌ایم که دانشگاه‌ها و دانشجویان در زیر سلطه نظام جمهوری اسلامی از امنیت و آسایش تحصیلی برخوردار نبوده و نمی‌باشند و همواره در تیررس ارگان‌های سرکوبگر نظام قرار دارند. وجود چنین وضعیت ناگواری مختص این حکومت و آن حکومت، این دولت و آن دولت نیست.

همه‌جا چنین می‌کنند و مسلم است که وظیفه طبقه سرمایه‌دار، تأمین منافع خودی‌هاست و بالطبع سران رژیم جمهوری اسلامی هم، در چنین مسیری در حرکت‌اند و در سه دهه اخیر کوشیده‌اند تا دانشجویان را از طرح مطالبات و خواسته‌های‌شان باز دارند. "انقلاب فرهنگی" به راه انداختند تا از شر "فرهنگ غربی" خلاصی یابند؛ به "تنبیه"، "توبیخ" و دستگیری کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان در درون دانشگاه‌ها پرداخته‌اند تا دانشگاه‌ها را "آرام" نمایند؛ پسران و مردان را از دختران و زنان جدا نموده‌اند تا "فرهنگ اسلامی" را در درون دانشگاه حاکم گردانند؛ نیروهای نظامی خود را روانه دانشگاه‌ها نموده‌اند تا "آرامش و امنیت" دلخواه خود را برقرار نمایند و صدها مورد دیگر از این‌دست را در دستور کار خود قرار داده‌اند تا از پویایی اعتراضات درون دانشگاه‌ها بکاهند. این‌ها نمودارهای جامعه خفقاقت‌زده ایران است و اگر چه سران رژیم جمهوری اسلامی در کارنامه خود، سی سال جنگ و جنایت و سرکوب توده‌ها و دانشگاه‌ها را دارند، در عوض سی سالیست که فضای جامعه آکنده از اعتراضات کارگری – توده‌ای و دانشجویی‌ست. اگر چه رژیم جمهوری اسلامی سی سال است که ملیون‌ها انسان محروم و از جمله دانشجویان را به خاک و خون می‌کشد؛ اما در عوض سی سالیست که چرخش مخالفت‌ها در درون جامعه و دانشگاه‌ها از حرکت باز نایستاده و سران حکومت را کلافه نموده است.

زمان و وقت درس آموزی و استفاده از اندوخته‌های گذشته است؛ زمان طرح شعارها، مطالبات روشن و هدفمند است. زمان و وقت تعیین و تکلیف قطعی با لمیدگان و کاسه لیسان سرمایه در درون دانشگاه‌ها از جانب دانشجویان مدافع رهائی ملیون‌ها توده رنج‌دیده و ستم‌دیده است. روشن است که بدون پای‌بندی عملی به آرمان‌های ملیون‌ها انسان محروم و زحمت‌کش، بدون کنار نهادن راه‌های خسران‌ساز، بدون افشاء و طرد تمامی افکار پوسیده و گندیده چاکران و مشاطه‌گران سرمایه در صفوف خود نمی‌توان، یک‌گام اعتراضات جامعه و دانشجویان را به جلو سوق داد. متأسفانه دهه‌هاست که مکان‌های متفاوت اعتراضی و از جمله دانشگاه‌ها از فقدان افکار سالم، کوبنده و تعرضی رنج می‌برند و تاکنون هزینه‌های ناگوار و بس سنگینی از خود بر جای گذاشته‌اند. تغییر روند کنونی و کاهش هزینه، ممکن‌پذیر می‌باشد و لازم است تا با درایت انقلابی و آگاهانه به نقش خودی پی بُرد و دانشگاه‌ها را به میدان جمع اعتراضی سالم و حمایتی از جنبش‌های به حق کارگری – توده‌ای تبدیل نمود و بیش از این اجازه نداد تا سران رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی، سیاست‌های ارتجاعی‌شانرا بر جامعه و دانشگاه‌ها تحمیل نمایند.